

از دیدگاه

قرآن و عترت

ثريا سليماني فر

مقدمه

جوانی فصل شورانگیز زندگی و مظهر نشاط و سازندگی است. روح لطیف و قلب طریف جوان جلوه زیبای آفرینش و صحیفه مصفای هستی است. شور زندگی و آهنگ سازندگی در نگاه روشن و امیدوار جوان متجلی است. اگر شور و احساس جوانی با شعور عصیق دینی و سلاح توانای ایمان الهی تجهیز شود، سعادت نسل جوان و سلامت جامعه تضمین خواهد شد.

جوانان همواره کانون توجه به مصلحان و آماج تهاجم مفسدان بوده‌اند، زیرا عالم جوانی همان گونه که منشأ شورانگیزترین تجلیات عاطفی، روحی و بالندگی است. در معرض فتنه انگیزترین آسیب‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی نیز هست. بر این اساس، غفلت از تربیت و هدایت نسل جوان، موجب خسaran و مایه حرمان دولت‌هاست. در دنیای امروز که به تدریج ارزش‌های انسانی تضعیف می‌شود و آسیب‌های اجتماعی تشدید می‌گردد، ضرورت دارد که ای اهدایت و حمایت نسل جوان اقداماتی سریع و جدی آغاز گردد.

گام اول در این راه شناخت اصولی و علمی ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای اساسی جوانان است. بی‌تردید شناخت، همدلی می‌آفریند و برای اهتمام به این امر خطیر باید به مشارکت فرهنگی از اکبر اقدام کرد و این جز با همدلی، همزبانی و همراهی با جوانان می‌ست نخواهد بود.

سلام که جامع ترین و غنی‌ترین مکتب آسمانی و منبع پویا ترین و پایان ترین معارف اسلامی است. توصیه هزارا در هدایت و تربیت نسل جوان و رسیدگی و سمعانه امور قرآن

السلام فویحه‌اند.

هم ملت‌نگار خیر افتخرا هستیم که شایعه می‌کنیم «جوان، تیر و

عنایت خاص نماید و در مورد آن را به بهترین وجه رفتار کنید، چرا که آن قلب‌هایی لطف و فضیلت دارد.

نه شهادت ناریخ اولین و پیشترین است. بالکنندگان از دنی مبین اسلام جوانان بوده‌اند زاده‌اند، هم‌اکنون هم زاده‌اند و هست انان را ماید داشته‌اند.

سنت جوانی و اهمیت آن در قرآن

از هزار قرآن مجید ع فراز و نشیب (ندگم) انسان در سه مرحله می باشد: مرحله خسuf کویدگی، دهان قوت و قدرت حوانی و مرحله ضعف و ناتوانی بیرونی. چنانچه می فرماید:

الله الذى خلقكم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفاً شبيه يخلق ما
شاء و هو العلیم القادر . (٢٠٠، ٥٤)

خیل اند، این کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودیا، سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قدرت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد، او هر چه بخواهد می آفریند و ایست عالیه و قادر.

آری از نظر قرآن جوانی دوران فارغت است، و جوان برباندای قلم حیات خویش ایستاده و
با این این مفعوت به نجه احسن استفاده کند.

پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَلِكًا يَنْتَزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فِينَادِيْ يَا أَبْنَاءِ الْعَشْرِينَ جَانِوْ وَاجْتَهَدُوا^۱، هَمَانَا كَهْ خَلَا وَنَذَرَ مَتَعَالَ فَرِشْتَكَانِيْ دَارَدَ كَهْ هَرَ شَبَ نَزَهَلَ مَيْ كَسَنَدَ وَنَدَا مَيْ دَهَنَدَ اَيْ جَوَانَ بَيْسَتَ سَيَالَ كَوَشَشَ وَجَارِيَتَ كَنَنَدَهَ بَرَى تَنَيلَ بَهَ كَالَّاتَ اَسَانِيْ مَجَاهَدَهَ نَمَاءِيدَ.

علاوه بر بیان ارزش این ده راز، خدای زاد متعال در آیات متعددی مراحل مختلف حیات بشناخت و در آن جهان دید. قران نجت عین آن "بله ن آشد" معنی گردیده است.

و سرخی از شدید پیش از میان بیانی و قات کنید و همه به احیل خوده می ریند ، تا مگر قدرت
کارگردانی امداد و نجات خواهد بود

بررسی و حداکثری از عمر آدمی آن زمانی است که دوچندانه انسان به ۴۵ تا ۶۰ سال

卷之五

بنابریان قرآن، حیات انسان شامل دوران رحم، مرحله طفولت، دوران نوجوانی و سپس مرحله پیری می‌باشد. مرحله جوانی دورانی مهم است و گویا هدف و غایت مراحل قبل می‌باشد. چرا که با عبارت «نِم لتبَلُغُوا أَشْدَكُم» بیان شده، یعنی «تا آنکه برسند، به دوران جوانی». علاوه بر این از منظر، هر زمان خروج از دنیای کودکی به دنیای نوجوانی نیز مطرح شده است، انجام که می‌فرماید:

و إذا بلغ الأطفال منكم الحلم فليستثنوا كما استثنان الذين من قبلهم... (٥٩/٢٢) و انگاه ای، طفال شما به حد بارع و اختلام رسیدند باید مانند سایر بالغان با اجازه وارد شوند....

از دیدگاه فرقان، آغاز تغییر و تحولات جسمانی دوران بلوغ، مرز خروج انسان از دنیا یکدیگر وارد به دنیای بزرگسالی است. از این زمان دیگر فرزندان در زمرة کودکان نبوده و باید متعجبون بزرگسالان مؤدب به آدابی شوند و پدر و مادر اولین کسانی هستند که باید به این امر مهم عوجه داشته باشند و بدانند که فرزندانشان دیگر کودک نیست و وارد مرحله مهم و حساسی از رشدگی خود شده است؛ مرحله‌ای که باید با همایی و کمک پدر و مادرش آن را سپری کند و به انجام برساند.

بلوغ حلم در حقیقت همان دوران نوجوانی و مدخل دنیای جوانی است. دورانی که نوجوان اعیر و تحولات شدید جسمی، فکری و عاطفی، اخلاقی و اجتماعی رویرو می‌شود. و حتی هدگاه برخی روانشناسان عنوان «تولد دوباره» را به خود گرفته است.

عبارتی می‌توان گفت: دوران نوجوانی یا بلوغ اشدّ از نظر قرآن دارای مراحلی است که آن مرحله بلوغ حلم است که همان نوجوان است و کم کم با استقرار عوامل یادیده بلوغ در بدن، نوجوانی شکل می‌گردی و از دیدگاه قرآن تاسن چهل سالگی، انسان در زمرة جوانان می‌باشد. من فرماید: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدِيهِ أَحْسَانًا حَمْلَتْهُ أُمَّةٌ كُرْهًا وَ وَضَيْبَهُ كُرْهًا وَ حَمْلَهُ وَ فَصَالَهُ أَعْتَقَ إِذَا بَلَغَ أَشْدَهُهُ وَ بَلَغَ أَبْرَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبُّ أَبْرَعِينَ عَنِ الْأَشْكَرِ نَعْمَتْكِ...» (الحقاف، ۲۶/۱۵) ما به گردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با نازارهٔ حمل می‌کند و با من گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است، تا زمانی که به حد سی و سپس به چهل سالگی وارد می‌گردد، می‌گوید: خدا یا میرا توفیق ده تاشکری بی‌جا آورم....

نهی دلالت بر مرحله‌ای از حیات انسان می‌کند که در آن قوای جسمانی و

به کمک این شناخت و با بهره‌گیری از تعالیم قرآن و آئمه مخصوصین، جوانان را در مهم ترین مرحله حیاتشان کمک و راهنمایی کنیم.

شناخت ویژگی‌های جسمانی

در «الهای اولیه» بلوغ به سبب افزایش ترشح هورمون‌های غدد اندوکرین، تغییرات عمیقی در ارکانیزم بدن به وجود می‌آید و تعادل نسبی نوجوان به هم می‌خودد، شکل و حجم بدن تغییر می‌کند و از حالت کودکی خارج شده و به غالب و اندازه بزرگسالان تبدیل می‌شود. رشد در این دوره چنان پرشتاب و سریع انجام می‌گیرد که آن را به «جهش» تعبیر کده‌اند.

رشد جهشی مربوط به سال‌های بلوغ و نوجوانی است و حدوداً چهار سال طول می‌کشد. و سپس حالت تدریجی به خود می‌گیرد و در دوران جوانی آهنگم تدریجی به خود گرفته و به نهادت و اواخر خود می‌رسد. به سبب این تغییر و تحولات، نوجوانان توجهی افراطی نسبت به وضع ظاهری خود نشان می‌دهند و نسبت به چهره، ترکیب بدن، تناسب اندام و آرایش ظاهری خود بسیار دقیق می‌شوند. بسیاری از والدین نسبت به تغییر رفتارهای نوجوانان خود در آرایش وضع ظاهری ابراز نگرانی کرده و بنای مخالفت را با آنان می‌گذارند، در حالی که این تغییرات از خواهش‌های غریزی و فطری دوران نوجوانی است و باید با رفتاری منجیده و ایجاد روابطی صمیمانه آنان را کمک کرد تا این مراحل را سپری کنند. تمایل به زیبایی و جمال از خواهش‌های فطری بشر است که در نوجوانان و جوانان تظاهر بیشتری دارد و این نکته از دیدگاه امیر المؤمنین (ع) نیز مطرح گردیده و ایشان در توجه به این حسن و پرورش آن عنایت خاصی کرده‌اند. از امام باقر (ع) روایت شده که:

حضرت امیر (ع) به همراه غلام جوان خود قبر به بازار بزارها مراجعه نموده و دولباس تیبه می‌نمایند یکی به قیمت سه درهم و یکی به قیمت دو درهم و لباس گرانتر را به غلام می‌دهند. وقتی غلامشان از ایشان می‌خواهند که لباس گرانقدر را خود حضرت تن کنند، ایشان می‌فرماید: «انت شاب ولک شره الشباب»^۷

معنی ای قبر تو جوان هستی و در تو میل و رغبت زیادی به جمال و زیبایی است. [پسر لباس نیکوترا شما پوش].

الشروع معنی حرص شدید و غلبه حرص؛ و در روایت مذکور مذکور میل بسیار زیادی به زیبایی و آراستگی می‌باشد که با پوشیدن لباسی زیبا در غلام جوان ارضامی گردد و حضرت امیر (ع) به این امر مهم توجه نموده‌اند.

در دین مبین اسلام روایات متعددی در مورد پاکیزگی عمومی بدن، رسیدگی به موی سر،

عقلاتی کم کم به نهایت رشد و استقامت و قوت خود می‌رسد و طبیعتاً منتظر دوران جوانی است. این بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند:

اگر بدانه به سیم سالگی رسید، به بیان آشید خود را باد و ه، کاه به چهل سالگی رسید.

علاءه طباطبائی هم ذیل تفسیر این ایده فرموده‌اند که:

منتظر از «بلغ اربعین سنّة» این است که او اکثر بلوغ آشید، نمود چنین و چنان کفت.^۸

دوران بلوغ آشید، مرحله کمال جسمانی و عقلانی است و اگر انسان برای رشد، جسم و توان فکر و عقل خود تلاشی بنماید به نتیجه می‌رسد، علاوه بر این رشد معنوی و روحی نیز تا چهل سالگی میسر است و اگر انسان تا این زمان برای دشاد معنوی خویش کاری نکند به نتیجه می‌رسد و گزنه دیگر ایده‌ی به اه نیست. در حدیث آمده است:

ان الشیطان یعنی ده علی من وجه زاد علی الاربعین ولم يتب و يقول بالي وجه لا بلع،^۹ شیطان دستش را به صورت کسی که به چهل سالگی برسد و از گناه توبه نکند می‌کشد و می‌گوید پدرم فدای چهره‌ای باد که هرگز رستگار نمی‌شود.

جوانی فرصت رشد و کمال است و باید از آن به نحو احسن بهره برد و برای شناخت اسرار و رموز آن نهایت تلاش خود را نمود.

هدف ما در این نوشتار شناخت ویژگی‌ها و اقتضایات حیات نوجوانان و جوانان و مطالعه راه کارهای تربیتی دین مبین اسلام است، تابدین و سیله زمینه تعالی و پیشرفت و رسیدن به کمال رفراهم نماییم.

ویژگی‌های شخصیت نوجوانان و جوانان

شخصیت هر فرد کل خصایص بدنی، فکری، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی، اعم از موروثی یا اکتسابی است که او را به طور آشکار از دیگران متمایز می‌کند.^{۱۰}

بنابراین باید بررسی شخصیت یک فرد باید هم جنبه‌های فردی او یعنی ویژگی‌های جسمانی، فکری، عاطفی و اخلاقی وی را شناخت. اعم از موروثی و اکتسابی - و هم از نظر برخوردهای اجتماعی و ویژگی‌های پایدار رفتارش با دیگران، او را مورد ارزیابی قرار داد.

بررسی شخصیت جوان بدین معناست که نوع انسان در دوران نوجوانی و جوانی از نظر ابعاد وجودی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات است که حیات او را از سایر مراحل عمرش ممتاز می‌کند. هدف از شناخت شخصیت جوان؛ شناخت این ویژگی‌ها و اقتضایات می‌باشد تا برای این

جست وجوی هویت

بکم از مهمترین موضوعاتی که محور تفکر نوجوانان قرار می‌گیرد، خود آنان می‌باشد، و در حقیقت، در این سنین، نوجوان در جست وجوی هویت خویش برمی‌آید.

پایه‌نوجوانی همواره با این پرسش اساسی همراه است که نوجوان از خود چه پرسید، من کیستم؟، این پرسش را جست وجوی هویت می‌نامند.

نوجوانان از خود می‌پرسد باید چگونه زندگی کنم؟ چه حرفاً ای انتخاب کنم؟ باید با خدام ارزش‌ها و بهارها زندگی کنم؟! او پرسش‌هایی از این قبیل که پاسخ دادن به آنها آسان نیست و معمولاً با تشویق نوجوان و حتی والدین او همراه است.

نوجوانی محله‌ای از رشد است که باید در آن احساس هویت به دست آید و مطالعات مختلف نشان داده است که حاکمیت مذهب در جامعه به رفع این بحران کمک می‌کند چرا که مذهب به مهم‌ترین سوالات نوجوانی یعنی از کجا آمدیم؟ چه کسی هستم؟ به کجا خواهیم رفت؟ و چه کار باید کنم؟ پاسخ می‌دهد.

نوجوانی دوره شکل‌گیری هویت و جوانی زمان ثبت آن است. در دوره نوجوانی و کودکی خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت به عهده دارد و در دوره جوانی محیط زندگی اجتماعی و خود جوان نقش اساسی را در ثبت هویت ایفا می‌کنند.^{۱۰}

توجه به این موضوع مهم نقش زیادی در تربیت دوران نوجوانی و جوانی دارد. و اهمیت این موضوع در کلام گوهر بار حضرت علی (ع) موجود می‌باشد. ایشان در نامه‌ای به فرزندشان می‌فرماید:

... بادرت بوصیتی الیک و اوردت خصالاً، منها قبل ان یسبقن الیک بعض غلبات الہمی و فتن الدنیا... و ائمّا قلب الحدث كالارض الخالية ما القی فبها من شیء فبلته...^{۱۱}

... به وسیله این وصیت بر تو پیشستی کردم و خصلت هایی را برایت بر شمردم قبل از آنکه پاره ای خواهش‌های نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگی های دنیا تو را بفریبد... همانا که قلب جوان همچون سرزمین خالی و آماده کشت است، هر چند در آن امکان‌پذیرد...

آری جوان در صدد شناخت خود و ایجاد شخصیت ثابت و مستقل است و سرزمین وجه دش مستعد پذیرش هر گونه بذر و نهالی می‌باشد، توجه به این ویژگی مهم باید مورد نظر والدین و مریبان آموزشی قرار گیرد و نسبت به تربیت این قشر از جامعه تلاش لازم را بنمایند. همان طور که حضرت امیر (ع) در ادامه سخن خود می‌فرمایند:

فبادرتک بالا دلک قبل آن تقسوا قلبک و یشتغل لبک...؛ پس به ادب آموخته است. یادداختم، پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هولی دیگر گیرد...

صورت، ناخن، لباس، عطر زدن و مسواک، زدن و... وجود دارد. امام صادق (ع) نیز فرموده اند: «البس و تجمل فان اللہ جمل» و محب الجمال و لبک من حلال؛ لباس نیکو بیوش و آرامست باش که خداوند زیبایست و زیبایی را دوست دارد اما باید از راه حلال باشد.. علاوه بر ظاهر، زیبایی معنی هم در دین اسلام مورد تأکی است. و بهترین لباس در سوره امانت، ایام قمی عهدان شاهد است. حضرت امام صادق (ع) فرموده اند:

زیب الباس المؤمن التقوی ایمهان و قال الله تعالیٰ و لباس التقوی لک خیر.^{۱۲}

زیبترین لباس برای مؤمن لباس تقوی و الطیف ترین شان لباس ایمان است، خداوند متعال فرموده اند: لباس تقوی بهترین است.

تربیت و تجمل در نظر اسلام نه تنها یک کار پسندیده بلکه عملی محبوب و دارای ارزش عبارت است. جمال دلیلی و جذاب دوران نوجوانی هم یکی از زیبایی‌های طبیعی بشر است و در این ایام، شور و هیجان و نشاط و عشق و امید، این تمایل را افزایش می‌دهد.

و هنرمند قرآن و اولیای اسلام این است که علاوه بر حمایت از این تمایل، بهتر است توجه به جمال معنوی هم در نظر گرفته شود و جوانان را به سوی آن ترغیب نمود.

شناخت ویژگی‌های فکری و شناختی

علاوه بر تغییر و تحولات وسیع در رشد جسمانی، تحولاتی در حیطه شناختی و فکری نوجوانان نیز رخ می‌دهد که با رشد مغز و فعالیت‌های آن در ارتباط است.

در مطالعات مربوط به رشد، عصب شناختی آمده است که رشد دوران بلوغ با رشد مغز نیز همراه است و در نوجوانی تغییراتی در سطوح و عملکردهای مغز به وقوع می‌یافند و از پیامدهای این رشد مغزی، رسیدن به مرحله جایی‌تر از رشد شناختی است که آن رسیدن به «اندیشه انتزاعی» می‌باشد.

تفکر کردکاران وابسته به داده‌های عینی و محسوس است و آنان قادر به درک مفاهیم انتزاعی نیستند، در حالی که با شروع نوجوانی، نوجوان می‌تواند به انواع احتمالات و فرضیات بیندیشد.

نوجوان نه تنها به آنچه هست می‌اندیشد بلکه به آنچه می‌تواند باشد نیز فکر می‌کند و از آنجا که قابلیت تجسم احتمالات ناچار و دایمی کند، می‌تواند در مورد مسائل اخلاقی، اجتماعی پژوهش‌های اینده خود گستردگی وسیعی را داشت. نظر قرار دهد و این تحول روزنه‌های تازه‌ای را برای این پژوهش‌ها می‌گشاید و به نوجوان امکان تحلیل مسائل سیاسی و فلسفی را می‌دهد.^{۱۳}

امام صادق(ع) فرموده اند:

قلب الشاب ألم من قلب الشیخ^{۱۲}؛ قلب جوان بقیق تراز قلب پیر است.

چنان دلیل دلیل و تأثیر پایه دارند، هدواره نعالیم دین میین اسلام بر این مبنای داده است که
باید جوانان را بدست نیکی ها و فضائل اخلاقی های حداقت درست.

رسول(ص)، فرموده اند:

او صیکم بالشبان خیرا فانهم ارق افتد...^{۱۳}؛ شما راسفانش می کنم با جوانان به خوبی
رفتار کنید، جوا که آنان قلب اطیف تری دارند.

ان سلطاط حکیم پرسیدند، چرا بیشتر با جوانان مجالست می کنی؟ پاسخ داد: که شاخه های
نازک و تر را می توان راست کرد ولی چوب های سخت که طراوت آن رفتہ باشد به استقامت نگراید.

طلب شخصیت و عزت شخص

جوانان در طلب شخصیت و کسب عزت نفس می باشند، و مایلند هر چه زودتر شخصیتی
ثابت و مستقل برای خود سازند و موجات رشد خود را فراهم نمایند و صلاحیت های لازم را برای
پذیرش در جامعه باشند آورند.

پاپ، گرامی اسلام در کلام گوهر برای خود این نکته را منتظر شده و می فرماید:

الولد سید سبع سین و عدد سبع سین و وزیر سبع سین...^{۱۴}

در توضیح این روایت باید گفت: فرزند در هفت سال اول به سبب ناتوانی جسم و نارسایی
فکر میزد عطوفت و ترحم والدین است و والدین از روی رحمت به خواسته های او عمل می کنند
لذا کوکدک بر پدر و مادر افاضی می کند، و در هفت سال دوم به سبب اینکه به اندازه ای نیز و مند
شده مانند کلاشنه میزد ترحم نیست و به سبب اینکه تا اندازه ای خوب و بد را می شناسد مورد
مؤاخذه بوده و مسؤول واقع می شود و وظایف خود را در غالب دستور از پدر و مادر می کیرد.

هشت سال سوم که دوره بلوغ و جوانی است، دوره ای است دارای ارزش والا؛ و پیامبر
اکرم(ص) با دادن نسبت و را در حقیقت چندین نکته را موارد اهمیت قرار داده اند.
اول اینکه نوجوان و جوان دارای ارزش هستند و باید مورد احترام و تکریم قرار گیرند. احترام
قابل شدن برای آنها اولین قدم است در کمک به ایشان در کسب شخصیت و عزت نفس.

دوم اینکه به پدر و مادر تذکر می دهد که دوران نوجوانی از کودکی جداست و علاوه بر احترام
قابل شدن، باید به نوجوان مسؤولیت هم داده شود تا در ضمن اجرای آن به توأم نهادهای خود دست
باید و با کسب معرفتی، شخصیت خود را اثبات و انسجام برساند، همانند یک وزیر در کشور

کوچک خانواده.

وزیر از یک جهت به معنای کسی است که باز مسؤولیتی را بر دوش گرفته و از ها ف دوم
کسی است که مود مشورت و هم فکری قرار گرفته است. آنان جوانان باید در خانه اده مود مشورت
قرار گیرد تا به تبادل افکار خوبش بپردازد و علاوه بر ایاز وجود، توانایی های فکری و دینی
محکم بزند.

پدر و مادری که دستور رسول اکرم(ص) را عمل می کنند، عملاً ارزش معنی جوانان خوبش
رامورده تو جه قرار داده اند و خواهش تکریم را که ناشی از خواهش کسب شخصیت می باشد، در
او به نحو شایسته ارضاء کرده اند.

طلب شخصیت با کسب عزت نفس یعنی ارزشیابی انسان در مورد خودش که با مفهوم هیبت
در ارتباط است، ارتباط مستقیم دارد و ضعف و قوت خصوصیات شخصیتی هر فرد با میزان
موفقیت وی در کسب عزت نفس در ارتباط است.

امیر المؤمنین(ع) می فرمایند:

من کرمت علیه نفسه لم یعنیها بالمعصیه؛^{۱۵} یعنی هر کس به شرف معنوی و کرامت و عزت
نفس خود عقیده دارد، با پلیدی گناه خوارش نخواهد ساخت.
امام هادی(ع) فرموده اند:

من هانت علیه نفسه فلاتامن شرة؛^{۱۶} یعنی هر کسی که خود را ضعیف و خوار می داند و
در باطن احساس پستی و حقارت می کند از شر او ایمن نداشته باش.
روایات فوق، اهمیت کسب عزت نفس در جوانی را متذکر شاهد و توجه به آن باید، راه و روش
روش های تربیتی والدین محترم قرار گیرد.

الگویابی

یکی از ویژگی های شخصیت انسان در دوران نوجوانی الگویابی است که در راستای بشد و
شكل گیری هویت رخ می دهد. نوجوانان به دنبال الگویی هستند که آن را دوست داشته باشند و
سعی می کنند. شخصیت خود را مطابق با آن الگو کنند.

انتخاب الگو در راستای ارزش های هر فرد می باشد؛ جوانانی که ارزش های معنوی، دینی و
اخلاقی برایشان مهم است الگوهای خود را از میان شخصیت های مذهبی پیدا می کنند و جوانانی
که قدرت بدنی، جمال ظاهری، ثروت و امثال اینها برایشان مهم است از افرادی که در این
زمینه ها مطرح هستند، پیروی می کنند. نیاز به الگو و توجه به آن از دیدگاه قرآن نیز مطرح گردیده

و خداوند متعال بهترین اسوه و سرمشق را برای بشر معرفی کرده است:

لقد كان في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيراً (الآيات، ۲۱/۳۲، ۲۲) برانی شما در زندگی رسول خدا اسوسنست نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز دست آشیز دارند، و خدا را بساز واد می کنند.

خداآنند متعال رسول گرامی خد بشی را بهترین الگو برای انسان ها معرفی می نماید، و در کنار آن، الگو، ارزش های او، اسمی حیات انسان را نیز مطرح می کند، ارزش هایی چون ایمان به خدا و دوستی قرائت که انگیزه حرکت در مسیر زندگی هستند و یا به خدا آوند که تداوم بخش آن است، و براین شکر کسی که قابش از چنین ای اینی لبریز نباشد، بی از رسول خدا برایش مقابود نیست. شناسایان الگوهای ایمانی و اخلاقی از وظایف مریان، والدین و مسؤولان امور آموختی و تربیتی می باشد. اگر شخصیت پرتفوز رسول خدا (ص) به ویژه دوران نوجوانی و جوانی ایشان به جوانان شناختنده شود و بر عنصر اخلاقی شخصیت آن رسول کرامی که «محمد امین» لقب یافته بود تأثیر شود و این حقیقت بیان شود که آن حضرت در جوانی به این لقب مفتخر شده بودند؛ حاله ای از یاکی، قداست و حرکت، نوجوانان را به وجود در می آوردو شیوه (رسول اکرم (ص)) و ماجرا، ب شخصیت وی می شوند.

خداآنند متعال نه تنها در قرآن پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی نمونه معرفی می نماید، بلکه ماجراهای زندگی و ویژگی های جوانانی را نیز بر شمرده، که بهترین الگو و سرمشق برای جوانان هستند نوجوان شجاع، پرشور، انقلابی و مبارزی که در شانزده سالگی در مقابل طاغوت زمانه استاد و می شکنی نمود و با منطق صریح خود مردم را متوجه اشتباهاشان نمود، کسی نیست جز حضرة ابراهیم (ع).

در سوره عمارک انبیاء آمده است که حضرت ابراهیم مبارزه علیه بست پرسنی را از خانواده و نزدیکانش شروع کرد و با دلایل منطقی و استدلال های محکم آنان را به سوی توحید دعوت می نمود و لی بی سبب نی اعنتایی فومنش تصمیم به انجام کاری گرفت تا آنان را منقلب کند و تأثیر بیشتری پذیری این دیگری که مردم به خارج شهر رفته بودند همه بسته ها را شکست و تبر را بر گردید بسته بیهاد و وقتی مردم این صلحه را دیدند گفتند تنها کسی که می نواند این کار را کرده باشد، جدانی به نام ابراهیم است.

قالوا سمعنا فی يذکرهم بقال له ابراهیم. (آلیاء، ۴۰/۲۱) گروهی گفتند: شنیدیم جوانی از (بنای افتاد) بسته ها سخن می گفت که او را ابراهیم می گفتند.

است که در دستگاه هورمونی و دستگاه اعصاب پیدا می شود...^{۲۰}
در دوران بلوغ تعادل موجود بین احساسات و اندیشه های منطقی نوجوان بر ^{۲۱} می خورد
و کنه احساسات سنگینی می کند و عقل را تحت تأثیر قرار می دهد.
پایه بیکاری اسلام در کلام خویش به این ویژگی شخصیت نوجوانان اشاره کرده و می فرماید:
الشباب شعبة من الجنون^{۲۲} جوانی شبهه ای از جنون است.

جنون از ماده جن و به معنای پوشیدگی و استمار است، گویا «دان جوانی داشت اهتمام و
پوشیدگی است، نوجوانان واقعیانمی داند چه چیزی در نهاد او اتفاق افتاده است، تغییرات
عمومی بدن و روانی آن چنان سریع و همه جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی
می کند و تصمیم گیری ها را برای او مشکل می سازد و برخوردهای او را با خانواده و مردم
سخت می کند.^{۲۳}

بی ثباتی عاطلفی، خواهش های متضاد و افراط در احساسات از ویژگی های عاطلفی روانی
نوجوانی است. این هماهنگی ها برای نوجوانان ناشناخته و مبهم است و گاه آنان را دچار سردرگمی
می کند. همچنین والدین و مریبان نیز که آگاهی به مسائل این دوران ندارند، می توانند موجبات
تعجب و ناراحتی را فراهم کند. حضرت علی^(ع) حدیثی دارند که توضیح مطلب فوّه، را کامل
می کنند، ایشان می فرمایند:

لایزال العقل و الحمق تغالبان على الرجل إلى ثمانى عشر سنة فإذا بلغها غاب عليه
اكثرهما فيه؛^{۲۴} پوسته عقل و حماقت در مزاج نوجوانان تازه بالغ در جنگ و سیزند تا
بحران بلوغ را پشت سر گذارند و به سن هجدۀ سالگی برسند، در آن موقع اگر ساختمن
فکری جوان طبیعی و سالم باشد، کم کم پیروز می شود و حماقت شکسته می خورد و
اگر انسان احدهم باشد حماقت بر عقل غالب خواهد شد.^{۲۵}

در این میان روانیاتی به چشم می خورند که در آنها تعبیر «مستی جوانی» مشاهده می شود.
امام علی^(ع): اضاف السکر اربعة: سکر الشباب، سکرالمال، سکرالنوم و سکرالملک.^{۲۶}

مستی بر چهار گونه است: مستی جوانی، مستی ثروت، مستی خواب و مستی ریاست.
از ویژگی های نوجوانی، تخیل پردازی و تصورات و تفکرات شاعرانه است و می توان گفت

تعییر سکر الشباب بخشی از این ویژگی را مذکور می شود.

میل به تصورات ناشدنی و تخیلات غیر ممکن از خصوصیات دوران شباب است که در نهاد
نوجوانان قرار داده شده و باعث تقویت قوه تخیل می گردد و مقدماتی هستند برای تفکرات بالاتر
و خواهش تعالی و پیشرفت، که البته باید تحت مراقبت صحیح قرار گیرد و دو نمای مناظر موهم

شنبه ۵۱ پیش از

۶۳

شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت

او، از ضروریات است که باید مورد توجه والدین، مریبان، مسؤولان آموزشی و حکومتی و خود
نوجوانان قرار گیرد. علاوه بر یوسف^(ع)، مریم (س) نیز به عنوان دختری عفیف و پاکدامن، و
اموه تقویت، عبادت و ایمان معرفی می گردد، او با نوبی است که خداوند به خاطر عفتش او را
می ستاید و شایسته دریافت روح الله می گردد.

و مریم بنت عمران التي احصنت فرجها ففتحنا فيه من روحنا و صافت لكلمات ربه و کتبه و کانت
من القانین (بسم الله الرحمن الرحيم، ۱۲/۶۶)

و می دختر عمران مثل زده شاه که دامان خود پاک نگه داشت. ما از روح خود در او
نمی دیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

حضرت موسی^(ع) نیز جوانی نیکوکار و غیرمند است که دوران جوانی اش در سوره قصص
بلطف می گردد و او نیز به سبب احساس و نیکوکاری شایسته دریافت علم و حکمت الهی می گردد.

ولما بلغ اشده واستوى اتينا حكماؤ علماؤ كذلك نجزي المحسنين (قصص، ۱۴/۲۸)

هنگامی که به جوانی رسید و نیرومند و کامل رشد حکمت و دانش به او دادیم و این گونه
نیکوکاران را جزا می دهیم. موسی^(ع) به سبب تقویت الهی و اعمال نیکش شایستگی این مقام را
بدامی کند آن هم در زمان جوانیش که با زمان نبوت و القای وحی فاصله زیادی داشت. و نکته
هم دیگر که در جریان این داستان مطرح گردید این است که دختر جوانی که شایسته همسری
می گردد، دختری است که خداوند متعال به این صفت او را مذکور می شود.

فجاءه احدا هما تمثی على استحباء... (قصص/ ۲۵)

ناگهان یکی از آن دو دختر که در نهایت حباء گام برمی داشت به سوی موسی آمد...
آری رعایت عفت، حباء و پاکدامنی در حضور اجتماعی، ویژگی ممتازی است که این دختر
دان دایاهم پاکشند و ... ب این صفات شایسته می شود که در آینه پامبر خداوند
واهاد بود. امید است که جوانان با ایمان میهن اسلامی مان به نحو احسان الکوهای قرآنی را
ناسایی نموده و آنان را سمشق خود قوار داده و به سر منزل کمال و تعالی راه یابند.

۷۲۶

ویژگی های عاطلفی حیات نوجوانان و جوانان

نوجوانان د، دیوان بلوغ زود انگیخت بوده و به اصطلاح سریع التأثر می باشند؛ لذا
و اکتش آنها بیشتر، پرهیجان تر می باشد و فوران احساسات به حدی است که گاهی با یک
کالمه یا یک کتابه، طوفانی از احساسات به پا می کنند که آثار آن به وضوح در چهره شان
مشخص می شود... تغییراتی که در هیجانات زندگی رخ می دهد، همه نتیجه نظام جدیدی

۶۲

تفسیر و مفاهیم

ب

وجود انسان و حتی خود، نیازمند پاسخ به پرسش‌هایی هستند، ... برخی جوانان به زمینه سخت و مسلط مذهبی چون چوب بست شخصیت خود احساس نیاز می‌کنند، این احساس، حسن مسؤولیت آنها را کمتر و زندگی را خیلی ایمن‌تر می‌سازد...^{۲۸}

علاوه بر توجه به مذهب و فهم فلسفه زندگی، جوانان به برخی از تعالیم و دستورات ما همی شک می‌کنند در فهم آنان دچار سرگشتشگی می‌شوند و در این زمان باید ذهن آنان باز استدلال های درست و صحیح و اشاع نمود و مشکل آنان را به گونه‌ای حل نمود که دچار تزلزل در انبشه و فکر نشوند. نوجوانان سعی دارند حقایق را شخصاً از راه تفکر کشف کنند و به این دلیل به برخی مسائل دینی شک می‌کنند و در این موارد خانواده نباید متعصب باشد، بلکه فرصت تفکر را به نوجوان داده و اهتمامی دوستانه و منطقی را به او منتقل کند.

توجه به تمامی نکات در سفارش گرانقدر رسول اکرم (ص) نهفته است ایشان می‌فرمایند:

او صیکم بالشبان خیراً فإنهم أرق أفقنده فان الله بعثني بشيراً و نذيراً فحالقني الشبان و خالقني الشیوخ هم قرأ فکان عليهم الأمر فقتلت قلوبهم^{۲۹} به شما درباره نوجوانان و جوانان به نیکی سفارش می‌کنم، که به آنها دلی دقیق تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند، خداوند را به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذایش بترسانم، جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند ولی پیران از قبل دعوت مرباز زدن و به مخالفتم برخاستند.

سپس به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره مردم کهنسال که مدت زندگی آنها به درازا کشیا و دچار قساوت و سخت دلی شده‌اند سخن گفت. فطرت‌های پاک و وجودان‌های بیدار جوانان، سخنان حضرت رسول (ص) را موافق طبع فضیلت دوست خود دریافتند و مجدوب تعالیم عالیه اسلام شدند و هستهٔ مرکزی اسلام را گروهی از جوانان تشکیل دادند و پیامبر همواره ایشان را حمایت کرده و درباره آنان به پیروان خود به نیکی سفارش می‌نمود. امام صادق (ع) نیز روابطی دارند که تأکید بر تسريع آموزش دینی نوجوانان دارد.

امام می‌فرمایند:

بادروا أحدائكم بالحديث قبل أن تسبّكم اليهم المرجّه؛^{۳۰} در سخن گفتن با جوانان‌تان (در زمینه موضوعات دینی) تسريع نماید قبل از آنکه مرجّه (گروهی که از ایا خیون بودند) واز انجام تکالیف شرعی شانه خالی می‌کردن) بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خدیش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند.

فردا، شرابط واقعی امروز را هدر ندهد. به سبب این ویژگی‌های عاطفی دوران نوجوانی و غلبه احساسات، گاه شاهد رفتارهایی دو گانه و تا حدودی نامطلوب از نوجوانان می‌باشیم و باید بدآئیم که حضرت عالم (ع) راهکار مناسبی را بیان فرموده اند که در رفتار با جوانان باید آن را بکار بندیم. اینان می‌فرمایند:

جهان النسب معلمور و علمه مخصوص^{۳۱} نادانی جوانی بذیفته شده است و علمه مخصوص است.

به ای، تجویی شیوه تغافل و مسامحة از خود و بیات رفتار با نوجوانان است، تا کم کم بتواند راه و روش‌های صحیح و عاقلانه را برگزینند و از این معبر پر پیچ و خم با تکه و اعتماد بر والدین و مربیانی که با گذشت و مهر بانی آنان را حمایت می‌کنند، عبور نمایند.

ویژگی‌های اخلاقی حیات نوجوانان و جوانان

یکی از جنبه‌های رشد و تکامل انسان، رشد اخلاقی می‌باشد، اخلاق ریشه در فطرت آدمی دارد و دستگاه ادراکی شریه گونه‌ای است که در برابر خیر و نیکی تمایل قلبی نشان می‌دهد و در برابر شر و بدی از خود اکراه نشان می‌دهد.

کنتم که با شروع پذیرایه بلوغ و آغاز سنین نوجوانی، انسان به مرحله‌ای پیشرفته از تفکر دست می‌یابد که او را از دوران کودکی جدا می‌کند، تفکری که از محدوده محسوسات و امور عینی فراتر رفته و قابلیت انتزاعی پیدا می‌کند. همزمان با رشد تفکر انتزاعی، رشد اخلاقی نیز گسترش می‌یابد و توجه انسان به مذهب و دین نیز معطوف می‌گردد، توجه به مذهب بخشی از رشد اخلاقی انسان است. نوجوانی آغاز ارزش‌ها و ضد ارزش‌های است و نوجوان در صدد شناخت و تثبیت هویت خود می‌باشد و بخشی از سؤالاتش این است که «شخصیات اخلاقی، ارزشی و دینی من کدام است؟!!» هنگامی که جواب این سؤال را به دست آورد، احساس هویت و شخصیت می‌کند.

اعتقادهای انسان در دوران کودکی، جنبه تقلیلی داشته و از اعتقادات والدین نشأت می‌گیرد، لکن با فراسیدن ایام نوجوانی و جوانی و دست یابی به مرحله پیشرفته‌ای از تفکر، نوجوان مخصوص می‌گردد، تا ظایمی از اعتقادات و باورها را از تو برای خویش به وجود آورد. «در سال‌های بعد، از بلوغ خیلی از پسرها و دخترها داشتن نوعی فلسفه زندگی را برای خود ضروری هم یارند... در اکثر موارد بچه‌ها دیگر پذیرایی کورکوانه عقاید و یا بی عقیدگی والدین و اطرافیان خود نیستند، و می‌کوشند شخصیت خود را برای کنند و احساس می‌کنند درباره طبیعت و معنی

در این زمینه دو مقوله مهم و حساس باید مورد نظر واقع شود، یکی انتخاب دوست و دیگری نوع ارتباط با نهانه اده .
دوستان

نو جوانان به همانند سازی خود با گروه همسالان می پردازند از جهات مختلف مثلاً در طرز صحبت کردن و لباس پوشیدن، علایق هنری و ... با نوجوانان همسال خود همانند می شوند و روابط با آنان ...^{۲۵} ولاز روابط با اعضای خانواده گرم تر است، آنان بر پایه صمیمیت و وفاداری، دوستان خود را پیدا می کنند و بر پایه همین صمیمیت و گفت و گوهای نسبوسمی می نوازنند خود را بشناسند و همدم خوبیش را کشف کنند.

احساساتی، چون غم و اندوه، گاهی وجود نوجوانان را فرامی گیرد و بیشتر آنها در این موقع ترجیح می دهند با دوستان خود باشند و آنان را هم صحبتی خوب برای خود می دانند چرا که در بسیاری از احساسات با هم شبیه هستند. حضرت علی (ع) این ویژگی را به این صورت بیان می کنند:

ولیف الهموم و قرین الأحزان...^{۲۶} هم سوگند با اندوهها و همتشین غمها.

گویا نوجوان، هم سوگند اندوه های جان آزار و همتشین غم هاست و برای او بهترین چیز این است که اندوهها را از خود دور کند و برای خود دوستی انتخاب کند.

اطراح عنک واردات الهموم بعرائمه الصبر و حسن اليقين... و الغريب من اسم يكمن له حبيب...^{۲۷} اندوهها را که به توری آورد از خود دور گردان، با دل نهادن بر شکنیابی و اعتقاد بی گمان... و یگانه کسی است که او را دوستی نیست.

دوستی و رفاقت پاسخ به یک نیاز فطری است و در پرتو دوستی ها و محبت ها شخصیت انسان به نقطه کمال یا سقوط می رسد. لذا باید در انتخاب دوست دقت لازم را کرد.

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند:

الله، علىي دين خليله و قرينه فلينظر أحدكم من يخالل^{۲۸} روش ادمی بر طبق مذهب و سبیله دوست صمیمی اش خواهد بود. پس باید هر یک از شدما بینگرد که با چه کسی دوستی می کند.

و امیر المؤمنین (ع) نیز فرموده اند:

الصاحب كالرقة في الشوب فاتخله مشاكلاً^{۲۹} يعني: گزینش دوست، همچیون وصله زدن بر جامه است پس آن را همنزگ و متناسب برگزین. همچنین آن حضرت فرموده اند:

۲۶۱

علاوه بر روایاتی که تأکید بر تربیت دینی جوانان دارد، در تعالیم عالیه اولیای گرانقدر اسلام روایاتی به چشم می خورد که خطاب به جوانان است و آنان را در دین داری و عبادت تشویق و تغییب می نماید. از آن جمله، روایات ذیل را می اوریم:

امام باقر (ع) فرموده اند:

إن أحب الخلق إلى الله تعالى شاب حدث السن في صورة حسنة جعل شبابه و حماله في طاعة الله تعالى ذلك الذي يباهر الله به ملامته فيقول هنا عبدي حقا؟^{۳۱} به درستی به دوست داشتند ترین خلاق نزد خداوند تعالی جوان کم سن و نیکو چهره است، که جوانی و جمال خود را در اهانت خداوند قرار داده است و آن کسی است که خداوند به ازد و لائک مبالغات می نماید و می بودد که آین حقیقتا بنده من است.

امام صادق (ع) فرموده اند:

من فی القرآن وهو شاب مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه و جعلوا الله عزوجل مع السفرة الكبار البردة...^{۳۲} هر کس قرآن بخواند در حالی که جوانی مؤمن است، قرآن با گوشت و خون او مخلوط می گردد و خداوند او را با ملامتکه گرامی و نیکان قوار می دهد.... و پیامبر اکرم (ص) فرموده اند:

ما من شاب يدع الله الدنيا ويهوها وأهتم شبابه في طاعة الله الا اعطاه الله اجر اثنين و سبعين صدقيتا...^{۳۳} جوانی که دنیا و خوشگذرانی آن را به خاطر خدا ترک می کند و جوانیش را در راه اطاعت خدا سپری می کند، اجر هفتاد و دو صدیق را خدا به او عطا می کند. همچنین از پیامبر اکرم (ص) است:

...من شاب شبيه في الإسلام كان له نور في القيمة...^{۳۴} هر کس جوانی خود را در راه اسلام سپری کند، در روز قیامت برای او نوری خاص خواهد بود.

ویژگی های اجتماعی حیات نوجوانان و جوانان

رشد اجتماعی یکی از ابعاد شخصیت انسان است، نیاز به همبستگی در ده ران نوجوانی به کوئه ای دیگر در نهاد انسان نمایان می گردد، چرا که بیوندهای کودکی گستره می شود و فرد در مساد ایجاد بیوندهای نویبا یز رگسالان برمی اید.

ایجاد ارتباط با دیگران در آغاز نوجوانی به طور عمده مرمرک به گروه همسالان و دوستان می باشد و ارزشیابی دیگران به خصوص هم... الان و دوستان از نوجوانان برایش مهم و آغاز حرکت او به سیوی روابط پیشرفت اجتماعی است.

۲۶۲

مناسب با شرایط زمانی داشته باشند و سوم، ضرورت ایجاد شغل برای جوانان است تا با این‌ای نقش‌های اجتماعی، استعدادهای خود را شناخته و به فعالیت در آه و زا، به تکامل برساند.

تأثیر محیط بر شخصیت جوان
حضرت امیر المؤمنین (ع) فرموده‌اند:
الناس بزمانهم أشبه منهم بآنهم^{۱۳} شباہت مردم به محیط اجتماعی زمان خود، از ذلیل اخلاقی بیشتر است.

از شباہت به صفات خانوادگی و خلقيات پدران جوانان و به شخصیص نوجوانان، بسياری از صفات خود را از کسانی می‌گيرند. که در محیط‌های مختلف خانواده، مادر، آموذشگاه و کوچه و محله به طور متناسب با آنان در تماس هستند و در بسیاری موارد شاهد رفتارهایی از آنان هستیم که از اجتماع کسب کرده‌اند.

به جهت تأثیر زیاد اجتماع در شکل گیری شخصیت، بر مریبان، والدین و مسؤولان حکومتی لازم است که شرایط محیطی مناسبی را برای جوانان فراهم آورند، و در صورت وجود مظاهر آشکار فساد اخلاقی و رفتارهای نادرست اجتماعی با آن برخود جذب نمایند. چرا که اگر در اجتماع روش‌هایی مخالف تربیت صحیح خانوادگی معمول شود، جوانان در پیروی از آنها کنجدگاو شده و مردد می‌گردند که به حفظ رسم خانوادگی پردازنند یا پیروی از روش‌های تازه اجتماعی بکنند و این اتفاق باعث ناراحتی، عدم اطمینان و درنهایت تزلزل و اختلال شخصیت جوانان می‌شود. امام علی (ع) فرموده‌اند:

إذا خبث الزمان كسرت الفضائل و ضررت و نفقت الرذائل و نفعت و خوف الموسر أشد من خوف المعاشر^{۱۴} و قوى محیط اجتماع آسوده و ناپاک شد، سجايات انساني و فضائل اخلاقی بیرونی و زیان آور می‌شود و بر عکس رذائل و ناپاکی در جامعه رایج و سودبخش می‌گردد و ترس آنچه سرایت می‌کند بیشتر است از آنچه سخت می‌نماید.

ضرورت تناسب تربیت با شرایط زمان
حضرت امیر (ع) فرموده‌اند:

لائق روا اولادکم على آدابکم فائهم مخلوقون لزمان غير زمانکم^{۱۵} فرزندان خویش را مجده، نکنید که به آداب و رسوم شما عمل کنند، چون آنان متعلق به زمان دیگری هستند و باید متناسب با زمان خود تربیت شوند.

من اتخاذ اختیام غیر اختیار العاجه الاضطرار إلى مرافقه الأشواه^{۱۶} کسی که نستجده با دیگران پیمان می‌بنند، ناچار به رفاقت اشواه و امداد فاسد تن ده می‌شود.

خانواده

بخشن عظیمی از سعادت یا شقاوت جوانان و نوجوانان مربوط به خانواده‌های آنان است. لذا باید تلاش شود با بالا بودن سطح اگاهی و اشتغالی با رموز ویژگی‌های شخصیت جوانان، مشکلات و اختلافات احتمالی را در جاگل رساند. البته بسیاری از تعارضات مربوط به دوران نوجوانی است و کم کم با سپری شدن دوران بلوغ و استقرار آن در دلن، رفتارها و اندیشه‌های نوجوانان معادل تر شده و دل نگرانی‌های والدین هم کمتر می‌شود.

خانواده به الحافظ اهمیت خاصی که در این دوران حسنه دارد، بهتر است موقعیت نوجوانش را واقع بستانه درک نماید و به آن ارج نهد و شخصیت لازمه بلوغ را که از نظر کسی و کنفری با کودک متفاوت است به او ارائه دهد، از نوجوانان نیز باید خواسته شود با خویشتن داری و رعایت احترام، روابط سالمی را با خانواده بنانهد.

امام صادق (ع) بهترین راه کار تربیتی را برای این دوران ارائه داده‌اند. ایشان می‌فرمایند: دع اینک یاعب سبع سنین و بدب سبع سنین و وزمه نفسک سبع سنین فلان افلاح و الافله محن لا خبر فه^{۱۷} فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کنند، هفت سال او را با آداب و روش‌های مفید دیت کن و در هفت سال سوم مانند یک رفیق صدیقی، مصاحب و ملازمش باش، در این صورت رستگار می‌شود، و گرنه از کسانی خواهد بود که خبری در آن نیست.

در خانواده‌های که پدر و مادر، با احترام به شخصیت جوانان، او را اعزیز و گرامی می‌دارند و با او مانند یک دوست برخورد می‌کنند، نوجوان نیز حاضر است در مشکلات خود با پدر و مادر مشورت کند و از راهنمایی آنان استفاده نمایند، در غیر این صورت همسالان ناگاه و کم تجربه، محروم راز مرجع پاسخگویی به مالات بی شمار نوجوان که خاص دوران نوجوانی است خواهد بود.

جامعه

جوانی دوران قدم نهادن به عرصه اجتماع است و جوانان خواهان کسب شخصیت اجتماعی می‌باشند و در صدای هستند. هر چه زو دتر مورد پذیرش جامعه قرار گیرند.

در این میان توجه به سه نکره مهم و اساسی ضروری است، اول اینکه محیط اجتماعی تأثیر بادی بر تربیت و شکل گیری شخصیت جوانان دارد، دوم اینکه ضرورت دارد جوانان تربیتی

هویت شغلی به صورتی بسیار ساده از دوره کودکی شروع به شکل گرفتن می‌کند و کودکان به خیال پردازی‌های شغلی می‌پردازند. در نوجوانی با روز توانایی‌های فکری و تفکر انتزاعی به ازهایش ذهنی مشاغل پرداخته و می‌فهمند که به دست آوردن یک شغل مستلزم توانایی‌ها و آموزش‌های خاص است و بالاخره مرحله واقع یعنی شغلی دوچار می‌شود.

در تعالیم عالیه اسلام علاوه بر تأکید بر ضرورت تربیت مناسب با فنون و علوم زمان، تأکید فراوان بر ایجاد شغل مناسب برای فرزندان نیز شده است.

پیغمبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

ياعلى حق الولد على والده ان يحسن اسمه و ادبه و يضعه موضعًا صالحًا^{۱۱} پیامبر (ص)

به حضرت علی (ع) فرموده‌اند: که ای علی، حق فرزند بر پادرش این است که برای او نام خوب انتخاب کند، در ادب و تربیتش بکوشد و او را به کار شایسته‌ای بگذارد.

داشتن شغل و قبول مسؤولیت نه تنها وسیله امراض معاش است بلکه خود مایه عزت نه... و شرف اجتماعی و از عوامل مؤثر اعتماد به نفس و اثبات شخصیت است.

جوانی که کار می‌کند و در آمد شخصی دارد، خود را مستقل و آزاد می‌بیند و در باطن احساس سر بلندی و افتخار می‌کند، به خود حق می‌دهد که در جامعه اظهار وجود نماید و خویشن را به عنوان یک عضو مفید اجتماع به حساب آورد. بر عکس اگر جوانی که همه وجودش توانمندی و هیجان و غرور است نتواند شغل مناسب پیدا کند و به خواسته‌های فطری خویش دست یابد، در معرض شدید نگرانی، اضطراب، افسردگی و به دنبال آن خطر، انحراف و آلودگی می‌باشد. حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

أن يكن اشغل مجدهلة فاتصال الفراغ مفسدة^{۱۲} هم چنان که داشتن شغل، محل تلاش و

کوشش است، بیکاری محل فساد و تباہی و نابودی است.

همچنین فرموده‌اند:

من الفراغ تكون الصيبة^{۱۳} حالات و رفتارهای جاهلانه جوانی ناشی از بیکاری است.

جوانان وظیفه دارند با تلاش و همت عالی به کسب مهارت‌های لازم جهت شایستگی برای یک شغل مناسب، بپردازند و بدانند سعی و تلاش برای امراض معاش در شریعت اسلام امری است که دارای اجر معنوی بالایی می‌باشد و کسی که از قبول مسئولیت و سعی و تلاش نباشد خالی کند مورد بدینین اسلام است.

والدین و مسؤولان محترم حکومتی نیز باید تمام نیروها و سعی و تلاش خود را جزم کنند تا شرایط کار و کسب شغل را برای جوانان فراهم نمایند. چراکه بیکاری عامل بسیاری از خطرات

این‌نای نقش‌های اجتماعی مستلزم کسب مهارت‌های لازم می‌باشد، نوجوانان در مرحله شناخت استعداده و علایق خود می‌باشند و برای بدست آوردن «...» ای مناسب در آینده گام‌های اولیه زایر می‌دارند. اما در دوران جوانی با انتخاب شغلی مناسب فردی، هفید در جامعه محسوب شوند و استقلال و شخصیت را که در جست و جویش بودند به طه، کامل به دست آورند.

کلام امیر الدین بنین (ع) در تربیت فردان مناسب با زمان، آنکه بر این دارد که باید فنون و علوم را مطابق روز به فرزندان یاد بادهیم و گرنه امکان موقوفیت آنها را از بین بردیم. همچنین آن حضرت فرموده‌اند:

أولى الأشياء أن يتعلّمها الأحداث أشياء التي إذا صاروا رجالاً احتاجوا إليها^{۱۴} بترجمة
چیزهایی که خوب است جوانان یاد بگیرند، چیزهایی است که وقتی مرد شدند به آن احتیاج داشته باشند.

تهمیه به کسب علم، مهارت‌ها و فنون به خصوص فنون دفاعی و نظامی همواره مورد نظر اولیای گرانقدر اسلام بوده و ایجاد شرایط یادگیری برای فرزندان را همواره به پدران توصیه کرده‌اند. البته لازم به توضیح است که منظور از «ادب» در روایت مذکور رسوم اجتماعی معمول است و گرنه سنن ثابت انسانی و مقررات قطعی اسلامی که پایه و اساس خوشبختی بشر است تغییر نایاب نیزند. اگر بر فرض در جامعه ای افراد معرض از انجام سنن اساسی سرباز زند و به اسم تغییر مذکور شرایط زمان کناهانی را روا و فرایضی را غیر ضروری تلقی نمایند، واقعیت آن سنن تغییر نمی‌کند و سرانجام نتایج شوم آن تخلف دامن گیر جامعه خواهد شد. منظور همسو شدن با تحولات و تکامل علمی جهان و پیشرفت آداب و فنون و علوم است و لازم است فرزندان خود را با شرایط زمان تطبیق دهند و با جامعه سازگاری داشته باشند، ولی هرگز اجازه داده نشود که به نام تغییرات شرایط زمان، سنن اساسی و سعادت بخش اجتماعی نادیده گرفته شود و از حدود مقررات قطعی اسلام قادم فراین کذارده شود.

ضرورت ایجاد شغل

یکی از عناصر مهم حیات اجتماعی جوانان انتخاب شغل و شروع منظم و کارآمدتر فعالیت اجتماعی است. جوانان خواهان ورود به اجتماع هستند تا این‌روزی ه تازگی وجود خویش را در راه پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی حسوس کنند و از جانب اجتماع جوانی تلقی شوند، آنان از زائران گذاری‌های عوامل انسانی در جامعه بشری هستند و هر گونه تعالی و ترقی و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی مرهون توانایی‌ها، آمادگی‌ها و استعدادهای جوانان یک جامعه است.

برای جامعه و جوانانش می باشدند، بیکاری اگر منجر به فقر گردد، اساس اعتقدات و ایمان را با
مشکل "واج" می کند و جامعه را در سراسری سقوط نامنی قرار می دهد.

٢٢. دکتر سید احمد احمدی، روانشناسی نوجوانان و جوانان/ ٢٣٢.
٢٣. بخار الاتوار، ٨٢/٧٥.
٢٤. جوان از نظر عقل، احیا ارادات، ١/١٣٢.
٢٥. تحقیق المقول/ ١٢٢.
٢٦. غرداً الحکم/ ٣٢٧.
٢٧. دروس ادایم، بری در باغ، ترجمه: کاظم سامی، محمد رضا ریاضی/ ١٤٥.
٢٨. جوان از نظر عقل، احیا ارادات، ١/ ٢٢٨، به نقل از کتاب شیخ قریشی.
٢٩. شیخ طوسی، تہذیب، ١١١/٨.
٣٠. حسن بن أبي الحسن، دیاء، اعلام الدهی/ ١٢٠.
٣١. شیخ کاشی، کافو، ٤٠٣/٤.
٣٢. شیخ طوسی، امال/ ٥٣٥.
٣٣. بخار الاتوار، ٨٩/١٠.
٣٤. بخار الاتوار، ١٤٣/٢.
٣٥. بحث دکtor دکتر لطف آبادی، روانشناسی و شد، ١٤٣/٢.
٣٦. نوح البالغ، نامه، ٣١.
٣٧. همان.
٣٨. بخار الاتوار، ١٩٢/١٧.
٣٩. غرداً الحکم/ ٤٢٢.
٤٠. همان/ ٤١٦.
٤١. دنیای نوجوان/ ٢١٩.
٤٢. من لا يحضره الفقيه، ٣/ ٤٩٢.
٤٣. ابن أبي الحديدة، شرح نوح البالغ، ٢٠٩/١٩.
٤٤. همان، ٢٢٠/٢٧٠.
٤٥. همان/ ٢٤٧.
٤٦. همان، ٢٢٣/٢٠.
٤٧. بخار الاتوار، ٨٥/٧١.
٤٨. شیخ مفتی، ارشاد، ٢٩٨/٠١.
٤٩. غرداً الحکم/ ٣٢٥.

شنبه ۵ بهمن

٧٣

شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت

تفسیر و مفاهیم

٧٤

٤٠. احمد بن عیینه، دارود المسائل، ١٥٧/١٢.
٤١. محمد بن عاصم، ترجیح العسان، ١٦/٥٢.
٤٢. محمد بن الحنفیه، انساب الصالحین، ١٤/٥.
٤٣. سید احمد بن عباس، ترجیح العسان، ١٥٨/١١.
٤٤. ابو القاسم مکالم اسیری و هدکلران، تفسیر نوریه، ٢١، ٣٢٨، به نقل از قدمی روح المعانی.
٤٥. دک. علی اکبر اسماوی ازاد، روانشناسی و شد، ٦، انتشارات اطلاعات
٤٦. دک. علی اکبر اسماوی ازاد، بخار الاتوار، ٢٥٤/٣.
٤٧. محسان الشیعی و مفتح الحقیقت/ ٣٠.
٤٨. دک. دک. احمدی، جهیزی، روانشناسی و شد، ١٠٢/٢.
٤٩. دک. دکتر حسین لطف آبادی، روانشناسی و شد، (٢) ٢١٢ و ٢١٥.
٤٥. نوح البالغ، نامه، ٣١.
٤٦. علامه محلی، بخار الاتوار، ٢٨٠/١٢.
٤٧. محمد تقی فاضلی، جوان از نظر عقل و احساسات، ٢/ ٢٤٨/٢.
٤٨. شیخ حمزه زاده، همدان، ٤٧٤/٢١.
٤٩. احمدی، غرداً الحکم/ ٦٧.
٥٠. بن بیهی شیرازی، توحید، العدل عن ایل، رسیول ٤٨٢.
٥١. دروغ تقدیم سورة البیان، آیات ٥٧-٥٨.
٥٢. بخار الاتوار، ٢٥/١٢.
٥٣. احمد بن عاصم، ١٦٠/١١.
٥٤. محمد بن عاصم، بلاغ/ ٤٧-٤٦.
٥٥. محمد بن عاصم، شیخ دنیای نوح همان/ ١٦٢.
٥٦. احمد بن عاصم، من لا يحضره الفقيه، ٣٠٧/٤.

٢٢٢

پنجم